

پرسش ۳۹۹: دلیل شکسته شدن پهلوی فاطمه چیست؟

السؤال / ۳۹۹: سيدي وحجتي أحمد الحسن عليك السلام...

سيدي، هناك الكثير من المراجع من يقول أنه ليس هناك دليل واضح على أن فاطمة الزهراء (ع) مكسورة ضلعها، فما ردك على هذا سلام الله عليك؟

المرسل: خالد - الكويت

آقا و حجت من، احمد الحسن! سلام بر تو باد....

آقای من! مراجع زیادی هستند که می گویند دلیل روشنی بر این که پهلوی فاطمه ی زهرا (ع) شکسته شده است وجود ندارد. پاسخ شما به این مطلب چیست؟ سلام خدا بر تو باد.

فرستنده: خالد - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم أخي الكريم ورحمة الله وبركاته.

بالنسبة إلى مظلومية الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء (ع) والهجوم على دارها وحرقتها وكسر ضلعها وإسقاط جنينها من الثوابت التي هي كالشمس في رابعة النهار ولا ينكرها إلا من سفه نفسه وخبثت سريرته.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

برادر گرامی ام! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

مظلومیت صدیقه‌ی طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا(ع) و حمله به خانه‌ی او و آتش زدن آن و شکستن پله‌پوش و سقط جنین آن حضرت جزو ثابت شده‌ها است و مانند روز روشن، و اینها را فقط کسانی انکار می‌کنند که به نابخردی گراییده و باطن خویش را به ناپاکی آلوده ساخته‌اند.

وروايات أهل البيت(ع) متواترة في ذلك نصاً ومعنى، ومن يطلع على موقف أعداء أهل البيت(ع) يعلم أنهم عاملوا الزهراء(ع) كأنها بنت أعدى أعدائهم، وكأنهم يطلبونها بثارات لا ثار واحد !!!

روایات اهل بیت (ع) در این معنا متواتر است، هم از نظر متن و هم معنی. کسی که بر موضع‌گیری دشمنان اهل بیت (ع) واقف باشد، می‌داند که آنها با حضرت زهرا (ع) به صورت دختر دشمن‌ترین دشمنان‌شان رفتار کردند و گویی از او انتقام خون کشته‌های خود را می‌گرفتند و نه انتقام یکی از کشته‌های‌شان را!!

وهناك كتاب بعنوان (الهجوم على بيت فاطمة) لعبد الزهراء مهدي، تجد فيه العشرات من الروايات وآراء كل علماء الشيعة المتقدمين والمتأخرين وتأكيدهم على وقوع هذا الظلم العظيم.

کتابی با نام «حمله به خانه‌ی فاطمه» نوشته‌ی عبدالزهرا مهدی وجود دارد که در آن ده‌ها روایت و نیز آرای تمام علمای متقدم و متأخر شیعه، و تأکید آنها بر این ستم بزرگ را در آن می‌یابی.

وأما من جاء اليوم ليشكك بذلك، فهدفه معروف وهو مغازلة ومداهنة السنة أو من باب خالف تعرف، وقد روي عن أهل البيت أن من أنكر مظلوميتهم فقد أشرك في ظلمهم مع من ظلمهم، وفي الحقيقة هؤلاء لا يحسن الالتفات إليهم أو الإصغاء لهم.

هدف کسی که امروز در این قضیه تشکیک می‌کند، روشن و واضح است؛ سازش و مهرورزی با سنی‌ها یا از باب «مخالفت کُن و مشهور شو» می‌باشد. از اهل بیت روایت شده است کسی که مظلومیت آنها را انکار کند، در سمت‌گیری بر آنها با کسی که به ایشان ستم روا داشته، شریک است. واقعیت آن است که توجه به این افراد و گوش فرا داشتن به سخنان‌شان پسندیده نیست.

وإن كانوا يريدون أن يثبتوا أنّ أبا بكر وإخوانه بأنهم لم يسيئوا للزهراء(ع) فهذا دون إثباته خرط القتاد، فأوثق مصادرهم تنص على أنّ أبا بكر منع الزهراء(ع) من أرضها فدك و غضبت عليه الزهراء وماتت وهي غاضبة عليه ولم تكلمه.

اینها اگر بخواهند ثابت کنند که ابوبکر و هم‌مسلمانان او به زهرا (ع) آزار و اذیتی نرسانده‌اند، کاری بسیار سخت و دشوار در پیش دارند زیرا معتبرترین منابع آنها صراحت دارد بر این که ابوبکر زمین فدک را از حضرت زهرا (ع) منع کرد و آن حضرت بر او خشمناک شد، و در حالی که نسبت به ابوبکر عصبانی بود و با او سخن نمی‌گفت، وفات یافت.

وأيضاً في مصادر السنة؛ بأن الله يغضب لغضب فاطمة(ع)، إذن فأبو بكر قد غضب الله عليه ورسوله وفاطمة الزهراء(ع) التي من آذاها فقد آذى الرسول محمداً(ص)، فكيف يرتقون هذا الفتق الشنيع!؟

همچنین در منابع اهل سنت آمده است که خداوند با خشم فاطمه (ع) خشمگین می‌شود. بنابراین خداوند و پیامبرش و فاطمه زهرا (ع) - که هر کس او را بیازارد پیامبر خدا حضرت محمد (ص) را آزرده است - بر ابوبکر خشم گرفته‌اند. حال آنها چگونه می‌توانند این رفتار ناشایست را رفع و رجو کنند؟

صحيح البخاري ج ٤ باب دعاء النبي(ص) إلى الإسلام والنبوة ...
ص ٤٢:

عروة بن الزبير، أن عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها أخبرته: (أن فاطمة(ع) ابنة رسول الله صلى الله عليه وسلم سألت أبا بكر الصديق بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وسلم أن يقسم لها ميراثها ما ترك رسول الله صلى الله عليه وسلم مما أفاء الله عليه، فقال لها أبو بكر: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا نورث ما تركنا صدقة، فغضبت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فهجرت أبا بكر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت).

در صحيح بخاری ج ٤ باب دعوت پیامبر (ص) به اسلام و نبوت ... ص ٤٢
آمده است:

«عروة بن زبير گفت که ام المؤمنین عایشه به او خبر داد: فاطمه دختر پیامبر خدا (ص) بعد از وفات رسول خدا (ص) از ابوبکر درخواست نمود که از آنچه رسول خدا (ص) باقی گذاشته و آنچه که به او بخشیده بود، میراثش را تقسیم کند. ابوبکر به او گفت: رسول خدا (ص) فرموده است که ما چیزی به ارث نمی گذاریم و آنچه ترک کنیم صدقه است. فاطمه دختر پیامبر خدا (ص) بر ابوبکر غضبناک شد و با او قهر کرد و با او سخن نگفت تا وفات یافت.»

صحيح البخاري ج ٨ كتاب الفرائض، ص ٣:

عن عروة، عن عائشة: (إن فاطمة والعباس (عليهما السلام) أتيا أبا بكر يلتمسان ميراثهما من رسول الله صلى الله عليه وسلم وهما حينئذ يطلبان أرضيهما من فديك وسهمهما من خيبر، فقال لهما أبو بكر: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا نورث ما تركنا صدقة إنما يأكل آل محمد من هذا المال قال أبو بكر: والله لا ادع أمراً رأيت رسول الله صلى

الله عليه وسلم يصنعه فيه إلا صنعته، قال: فهجرتة فاطمة فلم تكلمه حتى ماتت).

صحيح بخاری ج ۸ کتاب فرایض ص ۳: از عروه از عایشه:

«فاطمه (ع) و عباس نزد ابوبکر آمدند و میراثشان از رسول خدا (ص) را طلب کردند و در همان هنگام زمین فدک و سهم خیرشان را درخواست نمودند. ابوبکر به ایشان گفت: شنیدم رسول خدا (ص) می گفت ما چیزی به ارث نمی گذاریم مگر صدقه که فقط آل محمد از این مال می خورند. ابوبکر گفت: به خدا سوگند امری از رسول خدا (ص) را ترک نگفتم و هر چه او انجام می داد، انجام دادم. گفت: فاطمه او را ترک کرد و با او دیگر صحبت نکرد تا وفات یافت».

**فلیت شعري هل من شهد لها الرسول(ص) بالجنة وأنها روحه
وبضعته تكذب وتدعي ما ليس لها (وحاشاها)؟؟ ولماذا تبقى غاضبة
ومهاجرة ومقاطعة لأبي بكر حتى ماتت، فهل تغضب من أجل الباطل أم
من أجل الحق؟؟ فمن هو الأصدق يا ترى؟؟ سنترك الحكم في تعيين
الأصدق إلى كلام عائشة لكي لا نتهم بأننا نعتمد على مصادرنا فقط:**

قابل درک نیست آیا کسی که رسول خدا(ص) بهشت را به او بشارت داده و کسی که روح او و پاره‌ی تنش می‌باشد، دروغ می‌گفته و چیزی که برایش نبوده است را ادعا می‌کرده؟ (هرگز چنین نیست!) و چرا غضبناک باقی ماند و او را ترک کرد و با او دیگر صحبت نکرد تا وفات یافت؟ آیا به باطل غضبناک شد یا به حق؟ و چه کسی راست‌گوتر است؟ حکم راست‌گوتر بودن را به نظر عایشه واگذار می‌کنیم تا نگویند که ما فقط به منابع خودمان اعتماد می‌کنیم:

المستدرک للحاکم النیسابوری ج ۳ ص ۱۶۰ - ۱۶۱ :

عن عائشة رضي الله عنها أنها كانت إذا ذكرت فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وآله قالت: (ما رأيت أحداً كان أصدق لهجة منها إلا أن يكون الذي ولدها). وشهد الحاكم النيسابوري بصحة هذا الحديث على شرط الشيخين.

مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۶۰ و ۱۶۱: از عایشه هنگامی که فاطمه دختر رسول خدا (ص) یاد شد، نقل شده است که گفت: «راست‌گوتر از او در سخن ندیدم مگر فرزندش» و حاکم نیشابوری به شرط شیخین صحّت این حدیث را تأیید کرده است.

صحيح البخاري ج ۷ کتاب الاستئذان ص ۱۴۲ ، صحيح مسلم ج ۷ باب من فضائل أم أيمن ص ۱۴۴ :

عن عائشة، عن الرسول محمد(ص): (..... قال: يا فاطمة، ألا ترضين أن تكوني سيدة نساء المؤمنين أو سيدة نساء هذه الأمة).

صحيح بخارى ج ۷ کتاب استئذان ص ۱۴۲، صحيح مسلم ج ۷ باب «من فضائل امّ ايمن» ص ۱۴۴: از عایشه، از رسول خدا حضرت محمد(ص): «.... فرمود: ای فاطمه! آیا راضی نمی‌شوی که تو سیده‌ی زنان مؤمن یا سیده‌ی زنان این امت باشی؟».

المستدرک - الحاکم النیسابوری ج ۳ ص ۱۵۴ :

وعن عائشة أنها قالت: (ما رأيت أحداً كان أشبه كلاماً وحديثاً من فاطمة برسول الله صلى الله عليه وآله، وكانت إذا دخلت عليه رحب بها

وقام إليها فأخذ بيدها فقبلها وأجلسها في مجلسه)، وشهد الحاكم أيضاً بصحة هذا الحديث على شرط الشيخين.

مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۴:

و از عایشه نقل شده است که گفت: «هیچ کسی را از نظر کلام و گفتار شبیه‌تر از فاطمه به رسول خدا (ص) ندیدم. هنگامی که بر او وارد می‌شد به استقبالش می‌رفت و برایش به پا می‌خواست، دستش را می‌گرفت و می‌بوسیدش و او را در جایگاه خودش می‌نشاند» و حاکم با شرط شیخین بر درستی این حدیث صحّه گذاشته است.

إذن ففاطمة أصدق من أبي بكر فلا يمكن أن نصدق أبا بكر ونكذبها أو نتهمها وهي التي يعجز اللسان عن ذكر فضائلها(ع). فهي وزوجها أحب الناس إلى رسول الله كما روى ذلك أيضاً الحاكم النيسابوري في مستدرکه:

بنابراین، فاطمه راست‌گوتر از ابوبکر می‌باشد و امکان ندارد ابوبکر را راست‌گو و فاطمه را دروغ‌گو بدانیم و او (ع) که زبان از ذکر فضایلش قاصر است را متهم نماییم. آن گونه که حاکم در مستدرکش روایت کرده است، او و شوهرش گرامی‌ترین افراد برای رسول خدا (ص) بوده‌اند:

المستدرک - الحاكم النيسابوري ج ۳ ص ۱۵۴:

عن جميع بن عمير، قال: (دخلت مع أمي علي عائشة فسمعتها من وراء الحجاب وهي تسألها عن علي فقالت: تسألني عن رجل والله ما أعلم رجلاً كان أحب إلى رسول الله(ص) من علي، ولا في الأرض امرأة كانت أحب إلى رسول الله(ص) من امرأته) وأيضاً شهد الحاكم بصحة هذا الحديث. فغضب فاطمة(ع) على شخص يعني أن الرسول(ص) غاضب عليه وأن الله غاضب عليه.

مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۴: از جمیع بن عمیر نقل شده است که گفت: «با مادرم بر عایشه وارد شدیم. وقتی از علی از او سؤال شد، شنیدم که از پس پرده می‌گفت: از مردی پرسیدی که به خدا سوگند هیچ مردی را گرامی‌تر از علی نزد رسول خدا ندیدم و هیچ زنی را گرامی‌تر از همسر او برای رسول خدا ندیدم» و حاکم به صحت این حدیث گواهی داده است. پس اگر فاطمه (ع) بر شخصی غضب کند یعنی رسول خدا (ص) و خداوند بر او غضب کرده است.

المستدرک - الحاکم النیسابوری ج ۳ ص ۱۵۴:

عن علي رضي الله عنه، قال: (قال رسول الله (ص) لفاطمة: إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضائك) وشهد الحاکم أيضاً بصحة هذا الحديث.

مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۴:

از علی (ع) نقل شده است: «رسول خدا (ص) به فاطمه فرمود: خداوند با خشم تو خشمگین و با رضایت تو راضی می‌گردد» و حاکم به درستی این حدیث گواهی داده است.

المستدرک - الحاکم النیسابوری ج ۳ ص ۱۵۴ - ۱۵۵:

عن المسور بن مخرمة رضي الله عنه، قال: قال رسول الله (ص): (إنما فاطمة شجنة مني يبسطني ما يبسطها ويقبضني ما يقبضها) وشهد الحاکم أيضاً بصحة هذا الحديث.

مستدرک حاکم نیشابوری ج ۳ ص ۱۵۴ و ۱۵۵:

از مسور بن مخزومه نقل شده است که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه از من است؛ هر چه او را خوش حال کند، مرا خوش حال کرده است و هر چه او را غمگین کند، مرا غمگین کرده است» و حاکم به درستی این حدیث گواهی داده است.

وفي صحيح البخاري - كما تقدم - إن فاطمة(ع) غضبت على أبي بكر وماتت وهي هاجرة له، ولم ترض عنه، وهذا يعني أن الرسول(ص) لم يرض عن أبي بكر ولا الله جل وعلا... فما لكم كيف تحكمون وأي ثقل بآل محمد تعدلون؟! والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين ولعنة الله الدائمة على ظالمهم إلى يوم الدين.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي - شوال / ١٤٣٠ هـ ق

همان طور که گفته شد، در صحیح بخاری آمده است که فاطمه(ع) بر ابوبکر غضبناک شد و با حالت قهر با او وفات یافت و از او راضی نبود. این یعنی نه پیامبر خدا (ص) و نه خداوند جلّ و علا از ابوبکر راضی نبوده‌اند... شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟ کدام ثقل را برابر آل محمد (ص) قرار می‌دهید؟!

هیأت علمی - انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقیلی - شوال ١٤٣٠ هـ ق

